سال اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

روزنامه ای برای مردم گلستان

گلشن مهر

چهارشنبه ۲۰بهمن ۱۳۹۵/سال هجدهم/شماره ۱۵۵۱/ ۴صفحه/ ۵۰۰ تومان

مرجان کار
تولید کننده بلوک سقفی
تیغه دیواری و خرپای فلزی
www. marjankar.ir
در خدمت توسعه مسکن در شمال کشور
تلفن کارخانه گرگان: ۳۲۱٦٤٥۲۹-۳۲۱٦٤٥۲٥
دفتر فروش گرگان: ۳۲۱٦٤٥۲۷-۳۲۱٦٤٤٥۷

فروشی
یک قطعه زمین به مساحت حدودا ۱۲۵۰۰ متر دارای سند، واقع در کیلومتر ۲ جاده گرگان. آق قلاچهارراه امیر آباد ابتدای جاده سرخنکلاته به فروش میرسد.
۰۹۱۱۲۷۳۹۷۳۳

۱۱ میلیون نفر در حاشیه کشور زندگی می کنند

« ۲

نقش آفرینان انقلاب ۵۷ از خاطرات خود گفتند

« ۳

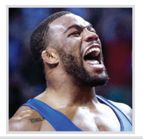

امیدوارم ایرانی ها به ما نه نگویند

« ۴

مطبوعات گلستان چاپخانه ندارند

«۲»

دهه فجر مبارک باد

مسابقات کشتی را دنبال نمی کنم!

دارنده ی شش مدال طلای جهان و بازی های المپیک است و به عنوان پرافتخارترین آزادکار تاریخ کشتی ایران شهرت دارد. هرچند نخستین حضورش در بازی های المپیک در توکیو ۱۹٦٤ به کسب مقام چهارمی ختم شد اما در نابغه بودنش همین بس، که بدون حتی یکبار خاک شدن توسط رقبا به این شش مدال جهان و المپیک رسید تا بزرگان کشتی دنیا را مقهور خود سازد. صیادِ طلای جهان نخستین بار در ۲۵ سالگی بلندای سکوی اول دنیا را در جهانی ۱۹٦٥منچستر احساس کردو در ادامه درخشش خیره کننده اش، در جهانی ۱۹٦٦ تولیدو و ۱۹٦۷ دهلی نو نیز بالاتر از نامدارانی همچون «انیو والچف» و «برياشویلی» مقتدرانه به مدال طلای جهان چنگ زد تا با ۳ طلای دنیا به عنوان اصلی ترین امیدایران راهی المپیک ۱۹٦۸مکزیکوسیتی شود؛ جایی که جهان مقابل اعجوبه کشتی ایران هم سر تعظیم فرو آورد. جنگندگی و شجاعت منحصر بفردش عناوین ارزشمند دیگر؛ طلای جهانی ۱۹٦۹-طلای جهانی ۱۹۷۰- طلای بازیهای آسیایی ۱۹٦٦ -طلای بازیهای آسیایی ۱۹۷۰ را به نامش رقم زد تا حتی پس از گذشت نیم قرن هنوز هم این رکورد دست نخورده باقی بماند. این قهرمان نامی کشتی، اما خاطرات المپیک ۱۹۷۲ مونیخ و...

«۴»

یادداشت

زبان امکانی برای گفت و شنود میان فرهنگ ها

عظیم قرنجیک

زبان بستر فهم و تفسیر اندیشه است ، نه ساحتی بسته و منجمد و نه زندانی برای آنهایی که به کارش گیرند ، بلکه شرط امکان ارتباط با دیگری است . بی شک راهی است برای اندیشیدن ، و پایه ای است برای شناخت پدیده ها و کلیدی است برای فهم جامعه و فرهنگ ، در واقع ، زبان پیوند نزدیکی دارد با شکل های ویژه زندگی یک قوم و ملت . لذا اگر چه شاید افق های زبانی یک قوم محدود باشد ولیکن بسته نیست و می تواند با افق های زبانی اقوام و سایر ملل در هم آمیزد و بتدریج افق های گسترده تری را برای خود فراهم آورد ، که به عنوان نمونه ، ترجمه متون از یک زبان به زبان دیگر می تواند در همین راستا قرار گرفته و گستره این افق ها را فراخ و فراخ تر نماید . در واقع ، مترجم ، در ترجمه از یک زبان به زبانی دیگر ، هویت زبانی خود را در زبان دوم بازسازی نمی کند یا زبان خود را به زبانی دیگر فرو نمی کاهد بلکه ترجمه ، بازگفتن معنا از یک ساحت زبانی به ساحت زبانی دیگر است . در واقع ترجمه نیز گفت و شنودی است میان دو ساحت زبانی گوناگون و در بنیان ، هدف آن مانند هر گفت و شنودی ، رسیدن به تفاهم است . در گفت و شنود ، هر طرف می کوشد که چشم انداز و افق دید دیگری را بفهمد ، هر چند فهم دیگری ، تنها از چشم انداز خود ، ممکن است، اما دربستر گفت وگو است که فهم دیگری ، به گسترش و ژرف شدن افق دید می انجامد .بنابراین فهم و تفاهم در بستر زبان طبیعی ، امکان پدید آمدن می یابد و زبان طبیعی آن ساحتی است که در آن هر چند توافق همواره ممکن است ولی نه با زبان های صوری وساختگی و محدود و بسته . ضرورت فهم در ساحت زبان طبیعی به این دلیل است که رسیدن به توافق نیاز به گفت و شنود میان چشم اندازهای گوناگون دارد . کسانی که بر قوانین زبان خود مسلط اند دارای این توانایی و خلاقیت هستند که معناهای بیگانه را در زبان خود جذب کنند و با این کار به توانایی های نظام زبانی خود بیفزایند . زبان من هم افق دید من است و هم ساحت ارتباط من با افق های زبانی دیگر . پس امکان هم آمیزی افق های زبانی گوناگون از ویژگی های ذاتی هر زبان طبیعی است .تعصب و پیش داوری نسبت به زبان خود ، در تضادی آشکار با نیروی اندیشه انتقادی است . اندیشه انتقادی ، داعیه اعتبار هر زبانی را در میزان تفاهم و همزیستی آن با دیگر زبانها می داند . از چشم انداز اندیشه انتقادی و روشنگری ، باورها و هنجارهای جزمی ، همگی باید موضوع تامل و ارزیابی انتقادی قرار گیرند . تنها شناسایی عقلی است که توان مشروعیت بخشیدن به هنجارها و باورها را دارد .اندیشه انتقادی ، هم بر وجه گفت و شنودی زبان تاکید می کند و هم وجه گفت و شنودی را از ویژگی های هر گونه اندیشه می داند و نادیده گرفتن آن ، به ناگزیر ، پی آمدهای مطلق گرایانه دارد .بر مبنای این پیش انگاره ها است که ما معتقدیم ، زبان هر انسانی ، در ژرف ترین و پایه ای ترین وجه هستی انسان حضور دارد، و هستی انسان در ژرفا، همانا هستی زبانی است، و زبان بستر هر تجربه ای است . زبان از منظری دیگر ، رسانه ای است که هر گونه فهم و اندیشه ای در آن روی می دهد، زیرا فهم همواره نوعی تفسیر است و تفسیر تنها در بستر زبان ممکن است. تفسیر همواره با کلام همراه بوده و از طرفی ، هر چه در زبان است به روند فهمیدن تعلق دارد . پدیده فهم . بیانگر و نشان دهنده ی فراگیری بعد زبانی هستی انسان در بستری است که همه چیز در آن جاری است . نه تنها فرهنگ ، که با زبان به ما انتقال یافته است، بلکه به راستی همه چیز در جهان به ساحت فهم ها و فهم پذیری تعلق دارد. روند انتقال و تداوم سنت همواره به ضرورت با تفسیر سنت همراه است و سنت را تنها در بستر زبان می توان تفسیر کرد . زیرا زبان بستر و رسانه ی سنتهاست. در واقع باید این اصل را پذیرفت که زبان بستر سنت و ژرف ترین وجه هستی انسانی است. به عبارتی ، زبان نهادی پایه ای است که همه ابعاد زندگی اجتماعی اعم از سنت های فرهنگی و ساختار کار اجتماعی و یا ساختار قدرت سیاسی به گونه ای از بستر آن می گذرند. در سایه امکانات گفت و گوی جدی میان زبان و فرهنگ های مختلف اقوام است که چشم اندازهای گوناگون اقوام به همزیستی و تفاهم گرایش یافته و در واقع ، تفاهم میان اقوام در سایه امکان یادگیری از تفاوتها و تبادل نظرها میسر می گردد .

آیا می دانید؟
در راستای کاهش هزینه های تشخیص درمانی بیمه شدگان و به منظور تحقق هدف خرید راهبردی، اداره کل بیمه سلامت استان گلستان با برخی از مراکز خصوصی در قالب ارائه خدمت با تعرفه دولتی به بیمه شدگان، قرارداد همکاری منعقد نموده است؟
روابط عمومی
اداره کل بیمه سلامت
استان گلستان

با حضور وزیر بهداشت؛

۴۷ پروژه بهداشت و درمان در گلستان افتتاح شد

۴۷ پروژه بهداشت و درمان گلستان با اعتباری بالغ بر ۱۱۰ میلیارد تومان به صورت متمرکز و با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به بهره برداری رسید.به گزارش خبرنگار مهر، رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان عصر دوشنبه در آیین افتتاح متمرکز پروژه‌های بهداشتی و درمانی گلستان که با حضور وزیر بهداشت در دانشگاه علوم پزشکی گلستان برگزار شد، اظهار کرد: انقلاب اسلامی به ٤٠ سالگی خود نزدیک شده و نه تنها کشور قدرتمند منطقه است بلکه خود را به جایگاهی رسانده که نقش مهمی در معادلات جهانی بازی می کند.عبدالرضا فاضل به دستاوردهای انقلاب در حوزه بهداشت و درمان کشور اشاره کرد و افزود: کشوری که سال‌ها به ویژه در حوزه سلامت چشم به دستان خارجی ها داشت، هم اکنون می‌تواند بسیاری از طرح‌ها را در طراز جهانی ارائه کند.وی ادامه داد: توسعه خدمات سلامت و تامین نیازهای بهداشتی و درمانی با کمترین هزینه همراه است و طرح تحول سلامت در دولت تدبیر و امید با همین نگاه پایه ریزی شد.رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان گلستان یادآور شد: با اجرای طرح تحول سلامت و تمرکز در حوزه درمان، بسیاری از خواسته‌های مردم جامه عمل پوشانده شد. وی ادامه داد: در اجرای طرح تحول سلامت تنها به حوزه درمان بسنده نشده و بسته های این طرح برای ورود به حوزه بهداشت و آموزش هم تماده اجراست.وی اضافه کرد: در سال های اخیر استان گلستان ورود بسیار خوبی به بهسازی وضعیت فیزیکی بیمارستان ها، کلینیک تخصصی، نوسازی و بهسازی، ساخت خانه‌های بهداشت، اتاق های زایمان، بخش دیالیز و مراکز بهداشتی درمانی داشته و اکنون شاهد افتتاح برخی از این پروژه‌ها هستیم.رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان گلستان با بیان اینکه طرح تحول سلامت با بی مهری هایی مواجه بوده، تصریح کرد: عدم تامین منابع طرح از سوی خریداران خدمت از مهم‌ترین چالش این طرح بوده اما بهورزان، پزشکان، پرستاران و پیراپزشکان بدون تساهل و تسامح به خدمت مشغول هستند.فاضل بیان کرد:بسیاری از همکاران ما در استان ماه‌های زیادی مطالبات خود را از شرکت های بیمه‌گر دریافت نکرده اند اما مجددانه به الزامات اجرای طرح تحول سلامت پای بند هستند.فاضل به نیازهای استان در حوزه بهداشت و درمان اشاره و خاطرنشان کرد: کمبود تخت‌های بیمارستان یکی از موضوعات و مشکلات این استان است که در سفر قبلی وزیر محترم بر این نیاز استان صحه گذاشت.وی اجرا و ساخت بیمارستان یک هزار تختی گرگان و ۸۰۰ تختی گنبد در چنین شرایط مالی را سخت دانست و بیان کرد: با توجه به وجود زمین مناسب در قالب مشارکت با سرمایه‌گذار داخلی و خارجی و همچنین آمار بالای مبتلایان سرطان به ویژه سرطان گوارش راه اندازی مرکز تیپ سه درمان سرطان یکی از نیازهای جدی استان است.فاضل در پایان به ظرفیت و پتانسیل بالای استان در حوزه پزشکی اشاره کرد و خواستار موافقت با راه اندازی دانشکده داروسازی در گلستان شد.

خبر

مردم طعم شیرین خدمات دولت را می چشند

نماینده مردم دو شهرستان رامیان و آزادشهر درمجلس شورای اسلامی با قدردانی از خدمات دولت به مردم، گفت: مردم با وجود مشکلات و کمبودهایی که دارند، طعم شیرین خدمات نظام و دولت را می چشند. به گزارش خبرنگار ایرنا، علیرضا ابراهیمی روز سه شنبه درمراسم بهره برداری و آغاز عملیات اجرایی ۸۵ طرح عمرانی، تولیدی، اقتصادی و اشتغالزای آزادشهر اظهار داشت: دولت در حد توان مالی و امکانات، خدمات خوبی درسراسر کشور و در این شهرستان انجام داده اما مردم همچنان با برخی مشکلات معیشتی، اقتصادی و بیکاری مواجه هستند.وی با بیان اینکه مردم ولی نعمت مسئولان هستند، گفت: هر چه به این مردم خدمت شود باز هم در حد شان و منزلت آنان نیست و بر همه مدیران لازم است، بیشتر درجهت خدمت به مردم و رفع مشکلات و کمبودهای آنان گام بردارند. ابراهیمی دربخش دیگری از سخنان خود انقلاب اسلامی را انقلاب حاکمیت اسلام و اندیشه ناب الهی دانست و اضافه کرد: امام راحل با اراده پولادین خود و با همراهی مردم توانست با سیاست حذف خدا و دین از جامعه که بیشتر نظام سلطه و سکولاریسم به دنبال تحقق آن بودند، مقابله نماید.وی تصریح کرد: امروز راه، اندیشه و مکتب امام راحل توسط جانشین خلف ایشان ادامه دارد که بایستی همه ما قدردان نظام جمهوری اسلامی و رهبری آن باشیم.نماینده مردم دو شهرستان رامیان و آزادشهر درمجلس شورای اسلامی با تبریک دهه فجر انقلاب اسلامی، این ایام را فرصت خوبی برای یادآوری مبانی انقلاب ازسوی مدیران، علما و روحانیون دانست و گفت: درکنار بیان خدمات و اقدامات انجام شده، بایستی مبانی انقلاب را نیز برای اقشار مختلف مردم بویژه نسل جوان بیان کرد.وی افزود: امروز قدرت های استکباری همچنان به دنبال سنگ اندازی برای جلوگیری از نفوذ و گسترش مکتب اسلام و اندیشه امام راحل و رهبری انقلاب هستند که راه خنثی سازی این توطئه ها، آشنایی بیشتر مردم و جوانان با مبانی انقلاب است.

آگهی مزایده عمومی
شهرداری گرگان در نظر داردبا استناد به ماده ۳۰ آیین نامه معاملات شهرداری در نظر دارد نسبت به فروش ۲ واحد آپارتمان واقع در تهران و یک واحد خدماتی واقع در گرگان بر مبنای پایه قیمت کارشناسی رسمی بشرح جدول پیوست آگهی از طریق مزایده عمومی اقدام نماید. لذا متقاضیان می توانند از تاریخ ۹۵/۱۱/۲۰ لغایت آخر وقت اداری مورخ ۹۵/۱۲/۳ به واحد امور قراردادهای شهرداری به آدرس: گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان ـ طبقه سوم و یا به سایت شهرداری گرگان به آدرس اینترنتی WWW.GORGAN.IR مراجعه و از شرایط و نحوه واگذاری موضوع آگهی اطلاع حاصل نموده و در صورت تمایل به شرکت در مزایده با رعایت شرایط، اسناد و مدارک مورد نیاز مزایده نسبت به ارائه تضمین شرکت در مزایده در پاکت الف و پیشنهاد قیمت در پاکت ب به صورت کتبی و لاک و مهر شده لغایت ۹۵/۱۲/۳ به واحد دبیرخانه شهرداری به آدرس: گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان اقدام نمایند.
حسین صادقلو ـ شهردار گرگان تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

مراسم دهه فجر انقلاب اسلامی و
بزرگداشت آیت ا... هاشمی
سخنران: حجت الاسلام احمد مازنی / نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی
چهارشنبه ۲۰ بهمن / گرگان: خیابان شهید بهشتی / کانون طه / ساعت ۱۸
اتحادیه انجمن های اسلامی گلستان

اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی
golshanemehr1@yahoo.com
صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi.ehsan48@gmail.com
مدیرمسئول: مریم قرآنی
ghorani_maryam@yahoo.com
نشانی: گرگان ـ خیابان امام خمینی ـ پاساژ قدس ـ طبقه سوم
تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵-۳۲۲۴۴۳۰۲ ـ ۰۱۷
نشانی سازمان آگهی های تهران: تهران ـ خیابان ستارخان ـ خیابان رحیمی اصل
کوچه ششم شرقی ـ پلاک ۱ ـ تلفن: ۸۲۴۲۷ ـ ۰۲۱
گلشن مهر
چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۵/ سال هجدهم/ شماره ۱۵۵۱

خبر

اولین المپیاد ورزشی وکلای دادگستری ایران در گلستان برگزار می شود

سرویس ورزشی ـ رییس کمیسیون ورزش و نایب رییس کانون وکلای دادگستری گلستان از برگزاری اولین دوره المپیاد ورزشی کانون های وکلای دادگستری ایران در گرگان خبر داد. «علی اصغر منصوریان» در گفت و گو با ما، افزود: اولین دوره المپیاد ورزشی کانون های وکلای دادگستری ایران در بخش مردان، به میزبانی کانون وکلای دادگستری گلستان در سه رشته ورزشی فوتسال، والیبال و تنیس روی میز برگزار می شود.به گفته «منصوریان»، این المپیاد با حضور ۱۹ تیم در رشته فوتسال، ٦ تیم در رشته والیبال و ۷ تیم در تنیس روی میز، از ۲۵ بهمن تا ۳ اسفندماه سال جاری برگزار خواهد شد. رییس کمیسیون ورزش کانون وکلای دادگستری گلستان، ادامه داد: مسابقات رشته فوتسال از ۲٦ بهمن تا یکم اسفند، رقابت های والیبال از ۳۰ بهمن تا ۳ اسفند و پیکارهای تنیس روی میز ۲ و ۳ اسفندماه در سالن شهید گرزین شرکت گاز شهرستان گرگان برگزار می شود. «منصوریان» اضافه کرد: در مسابقات فوتسال، کانون های وکلای دادگستری آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، البرز، خوزستان، خراسان، زنجان، فارس، قزوین، کردستان، کرمانشاه، کرمان، گلستان، گیلان، مرکز (تهران)، مرکزی، مازندران، همدان و یزد شرکت می کنند.او تصریح کرد: تیم های کانون وکلای دادگستری اصفهان، البرز، خراسان، فارس گلستان و مرکز (تهران) در رشته والیبال و تیم های کانون های خراسان، زنجان، قزوین، کرمان، گلستان، مازندران و مرکز (تهران) در رشته تنیس روی میز، برگزار کننده این مسابقات خواهند بود.

«

دهباشی رئیس شطرنج گلستان شد

سرویس ورزشی ـ با برگزاری مجمع انتخاباتی هیأت شطرنج گلستان در گرگان، «محمداسماعیل دهباشی» تک کاندیدای احراز این پست، با اخذ تمامی آرای مأخوذه برای مدت چهار سال کرسی ریاست این ورزش را در دست گرفت. این مجمع بر خلاف بسیاری از مجامع انتخاباتی بدون حضور رئیس فدراسیون برگزار شد.«دهباشی» حدود سه ماه سرپرستی هیأت شطرنج گلستان را بر عهده داشت.رییس دستگاه ورزش گلستان در این مجمع خطاب به رییس جدید هیأت شطرنج گفت: تقاضا داریم رییس جدید از تمامی ظرفیت‌های شطرنج در استان استفاده لازم را ببرند و البته با کسی تعارف هم نداشته باشند.«دهباشی» نیز با اشاره به اهدافش در چهار سال پیش رو، بیان کرد: بزرگ‌ترین هدف من این است که گلستان تبدیل به پایتخت شطرنج کشور شود و اگر تلاش کنیم رسیدن به این هدف دور از دسترس نخواهد بود.«محمدعلی سادات منصوری» رئیس پیشین هیأت شطرنج گلستان و مسئول کمیته پیشکسوتان فدراسیون نیز اظهار کرد: فرقی نمی‌کند چه کسی رئیس هیئت شطرنج باشد. شطرنج گلستان دارای استعدادهای بسیار خوبی است که جای پیشرفت دارند و به خصوص در رده سنی نوجوانان باید از تمامی استعدادها بهره ببریم زیرا آنها نیاز به یک جرقه دارند تا پیشرفت کنند.

«

قایقران گلستانی در اردوی تیم ملی

سرویس ورزشی ـ قایقران المپیکی گلستان باری دیگر به اردوی تیم ملی دعوت شد و به همراه دیگر اردونشینان به آب زد.ملی‌پوشان قایقرانی رشته «کانوکانادایی» ایران از اواسط این هفته مرحله جدید تمرین‌های خود را شروع کردند و در جمع ۸ نفره اردونشینان، «عادل» مجللی» از گلستان یکی از آماده ترین هاست.«مجللی» ۲۳ ساله عنوادار قهرمانی بازی های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون کره جنوبی است.تیم ملی قایقرانی کانوکانادایی ایران بعد از بازگشت از اردوی بوشهر چند روز استراحت داشت و از این هفته در تهران تمرین‌هایش را ادامه می‌دهد.ملی پوشان کانوی ایران پانزدهمین مرحله اردوی آماده‌سازی‌شان را برگزار می‌کنند و تا ابتدای اسفندماه نیز در اردو خواهند بود.

بی پرده با عبدالله موحد؛ از ۶ طلای المپیک و جهان، تا مکانیکی در آمریکا

مسابقات کشتی را دنبال نمی کنم!

وقتی آمریکایی‌ها به من پیشنهاد مربیگری دادند، با خودم گفتم چرا باید به عده‌ای کشتی یاد بدهم که مقابل هموطنانم این فنون را به کار گرفته و آن‌ها را شکست دهند!

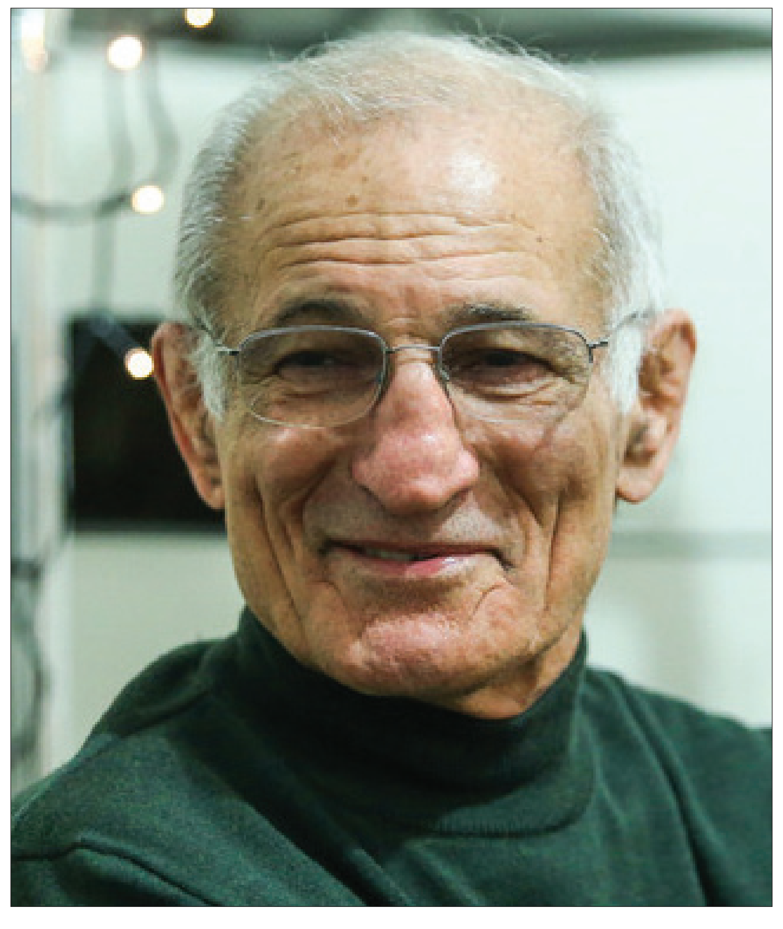

رقیه مسلمی پور-دارنده ی شش مدال طلای جهان و بازی های المپیک است و به عنوان پرافتخارترین آزادکار تاریخ کشتی ایران شهرت دارد. هرچند نخستین حضورش در بازی های المپیک در توکیو ۱۹٦٤ به کسب مقام چهارمی ختم شد اما در نابغه بودنش همین بس، که بدون حتی یکبار خاک شدن توسط رقبا به این شش مدال جهان و المپیک رسید تا بزرگان کشتی دنیا را مقهور خود سازد. صیادِ طلای جهان نخستین بار در ۲۵ سالگی بلندای سکوی اولِ دنیا را در جهانی ۱۹٦٥منچستر احساس کردو در ادامه درخشش خیره کننده اش، در جهانی ۱۹٦٦ تولیدو و ۱۹٦۷ دهلی نو نیز بالاتر از نامدارانی همچون «انیو والچف» و «برياشویلی» مقتدرانه به مدال طلای جهان چنگ زد تا با ۳ طلای دنیا به عنوان اصلی‌ترین امید ایران راهی المپیک ۱۹٦۸ مکزیکوسیتی شود؛ جایی که جهان مقابل اعجوبه کشتی ایران هم سر تعظیم فرو آورد. جنگندگی و شجاعت منحصر بفردش عناوین ارزشمند دیگر؛ طلای جهانی ۱۹٦۹-طلای جهانی ۱۹۷۰- طلای بازیهای آسیایی ۱۹٦٦ - طلای بازیهای آسیایی ۱۹۷۰ را به نامش رقم زد تا حتی پس از گذشت نیم قرن هنوز هم این رکورد دست نخورده باقی بماند. این قهرمان نامی کشتی، اما خاطرات المپیک ۱۹۷۲ مونیخ و حاشیه هایش را هرگز از یاد نمی برد؛ همانجایی که پس از پیروزی مقابل حریف هندی، در دومین مبارزه مقابل حریف پانامایی از ناحیه بازوی دست راست به شدت آسیب دید و از مسابقات کنار کشید؛ کنار کشیدنی با حواشی خاص از جمله صدور حکم ممنوع‌الخروجی‌اش از ایران! او با مدرک فوق لیسانس، پس از رفع مشکل ممنوع الخروجی اش، برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا عازم آمریکا شد تا در دانشگاه جرج واشنگتن ادامه تحصیل بدهد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و درخواست برای رها کردن تحصیل در ترم آخر بازگشت به ایران پاسخ منفی داد تا هم شغل تدریس در دانشگاه های ایران و هم ادامه تحصیل در آمریکا را از دست بدهد و شغل مکانیکی در ینگه دنیا را برگزینند! وجه تمایز دیگر او با سایرهم قطارانش علاوه بر تحصیلات آکادمیک، استعداد عجیب در سرودن شعر است. از همان دوران دبیرستان سروده هایش را بر روی کاغذ می آورد اما بدلیل ترس از ساواک فورا کاغذها را پاره می کرد و به سطل زباله می ریخت! «عبدالله موحد» گوش شکسته ی مازنی، امروز ۷۷ ساله است اما مانند جوان ها، پرشورونشاط. آقای نابغه، در حالتی عجیب، مسابقات امروز کشتی را دنبال نمی کند و جالب تر آنکه، اذعان می کند ملّی پوشان کشتی ایران را هم نمی شناسد! آنچه در پی می خوانید گزیده ای از ماحصل گفت و گوی «ایسنا» با «موحد» است؛ آنچه که باید از آن به عنوان مفصل ترین گفت و گوی رسانه ای با این قهرمان استثنایی کشتی ایران و صریح ترین صحبت هایش یاد کرد؛ آنچه که اختصاص این مجال به آن را نیز حق این قهرمان شایسته باید دانست.

از بنایی و صیادی، تا جابجاکردن قایق با ۸ سرنشین!

پدر معلمش از مجاهدین جنبش مشروطه در ایران بود و درکَنار ستارخان و باقرخان جنگید اما وقتی او چهار ساله بود پدرش را از دست داد تا سایه شوم فقر و نداری را بیش از پیش بر سر خود ببیند. اما خیلی زود در کنار ورزش هایی چون قایقرانی، وزنه برداری، بوکس و... وارد بازار کار شد و برای کمک به امرار معاش خانواده به شغل صیادی و بنایی در بابلسر روی آورد. مهاجرت خانوادگی به تهران و تشویق برادرش به حضور در باشگاه کشتی دست به دست هم داد تا در سن ۱۹ سالگی وارد کشتی شود و بواسطه اندام ورزیده و استعداد سرشار، خیلی زود توانست پله های ترقی را طی کند و نوید ظهور چهره ای جدید در کشتی ایران و جهان را دهد. «موحد» نزدیک ٤ دهه است که به همراه همسر و دو فرزندش در آمریکا زندگی می کند و هر چند سال یکبار برای دیدار با اقوام و پیشکسوتان گوش شکسته راهی ایران می شود. به حدی از کشتی دور است که هیچ علاقه‌ای برای دنبال کردن آن ندارد و حتی از ادامه کشتی فرزندش در آمریکا نیز جلوگیری کرده‌است.می گوید«روزگاری آرزویم مربیگری در ایران بود که برخی جلویم را گرفتند اما به قدری عاشق کشورم بودم که پیشنهاد وسوسه کننده آمریکایی ها را برای قبول مربیگری تیم ملی‌شان را هم نپذیرفتم». در جوّ خانواده ای ورزشکار با برادرانی که در والیبال، کشتی و پرتاب نیزه فعالیت داشتند، رشد کرد اما موفقیتش را مدیون ژیمناستیک است، هرچند عنوان می کند مانند دیگر بچه های بابلسر که شناگران خوبی بودند او نیز شناگر خوبی بود. «من تا ۱٦ سالگی در بابلسر بودم و برای کمک به امرار معاش خانواده از ۱۳ تا ۱٦ سالگی شغل صیادی داشتم و تابستان هم بنایی می کردم. چون بواسطه انجام ورزش هایی همچون قایقرانی توانایی بدنی بالایی داشتم می توانستم از پس کارهای سخت همچون بنایی و صیادی با وجود سن کم بربیایم. همین مشکلات باعث شد پنج یا شش سال درس خواندن را رها کنم. هر ماهی سفید که صید می کردم را یک قران می فروختم. آن زمان مثل الان نبود که پول یک ماهی سفید صدهزار تومان باشد.همان موقع برادر بزرگترم را در تهران بدلیل مشکلات سیاسی دستگیر کردند و به زندان انداختند پس از این ماجرا ما هم خانوادگی به تهران مهاجرت کردیم و توانستم درسم را در پایتخت ادامه بدهم. بخاطر اینکه زیاد ورزش و مخصوصاً قایقرانی می کردم قدرت بدنی بالایی داشتم جوری که قایقی که ۸ یا ۹ نفر سوار داشت را با طناب به کمرم می بستم و تا مسافت زیادی جابجا می کردم! با اینکه سن کمی داشتم این کار را انجام می دادم و خیلی ها از قدرت بدنی من تعجب می کردند.»

وقتی برای ثبت نام رفتم مدیر مدرسه پرونده ام را پاره کرد!

«وقتی به تهران رسیدیم تصمیم گرفتم درسم را ادامه بدهم. همه جا رفتم تا برای ادامه تحصیل ثبت نام کنم اما امیرکبیر، دارالفنون و هر جایی که سر زدم پر بود و امکان ثبت نام وجود نداشت. یک نفر دبیرستان مروی را به من معرفی کرد. وقتی به آنجا رفتم دیدم جمعیت زیادی ایستاده‌اند. من هم دو ساعت در صف ایستادم تا نوبتم برسد.آنجا یک مدیر ورزش‌دوست و لات مسلک به نام همایونی داشت. وقتی به همایونی رسیدم در حالی که پرونده دستم بود، همایونی رو به من کرد و گفت چه می‌خواهی؟ من هم در جواب گفتم من را ثبت نام کنید. از من پرسید برای کلاس چندم؟ گفتم کلاس نهم. او هم بلافاصله پرونده‌ام را جلویم پرت کرد و گفت جا نداریم. من هم چیزی نگفتم. وقتی داشتم برمی‌گشتم با صدای بلند من را صدا زد. وقتی پیش او رفتم به من گفت تو ورزشکاری؟ من هم به این دلیل که آن زمان در تهران خیلی والیبال بازی می کردم و والیبالیست خوبی هم بودم در جوابش گفتم والیبالیستم. گفت والیبالت خوب است؟ من هم به نشان تایید سرم را تکان دادم.گفت اسمت را می‌نویسم اما اگر بازی ات خوب نباشد شک نکن خیلی سریع از مدرسه بیرونت می‌کنم! بالاخره اسمم را نوشت و توانستم به دبیرستان مروی بروم.اولین مسابقه ما در والیبال با دبیرستان امیرکبیر بود که من در آن بازی ۵-٦ سرویس بسیار خوب زدم و از جان مایه گذاشتم و امتیازات زیادی برای تیمم گرفتم و توانستیم تیم امیرکبیر را شکست بدهیم. جالب اینجاست مدیر مدرسه از ابتدای بازی در سالن حضور داشت تا بازی من را تحت نظر بگیرد. وقتی که مطمئن شد بازی من خوب است اواسط بازی بود که سالن را ترک کرد. فردای آن روز پیش او رفتم و گفتم چرا تا آخر بازی در سالن حضور نداشتید؟ او هم در جواب گفت می‌خواستم ببینم بازی‌ات در چه سطحی است. وقتی خیالم راحت شد سالن را ترک کردم.»

٦ روز تمرین، جمعه ها پیاده تا شمیران

«کشتی را نزد مرحوم رحمت الله غفوریان (پدرخانم مرحوم سیدجواد رفوگر) شروع کردم و به حق که بهترین مربی دوران کشتی من بود. یک روز بعد از تمرین وقتی که همه رفتند یک پاکت جلویم گذاشت و به من گفت این گوشت راسته و فیله است، ببر خانه بپز و بخور تا قوی شوی. ما عادت نداشتیم کسی به ما رحم کند به همین خاطر به غفوریان گفتم این یک بار را قبول می‌کنم اما اگر بار دیگر این کار را بکنی دیگر به باشگاه نمی‌آیم و او هم دیگر این کار را نکرد. چون می‌دانستم وضع مالی خودش خوب نیست؛ یک بار به خانه او رفته بودم دیدم حتی خانه‌اش فرش هم ندارد و حصیرهایش هم پاره هستند. آن زمان همه سه جلسه تمرین می‌کردند اما من ٦ روز در هفته تمرین کشتی می‌کردم و جمعه‌ها هم پیاده تا شمیران می‌رفتم. خیلی هم به من می‌گفتند بدنت با این شیوه تمرین خراب می‌شود اما من روز به روز بهتر می‌شدم! چون وزنه برداری و قایقرانی هم کار کرده بودم بدنم قوی بود. برای المپیک ۱۹٦۰ مقابل محمد خادم کشتی گرفتم که در نهایت مساوی کردم اما او به المپیک اعزام شد و مرحوم بلور ترجیح داد او را به این رقابت‌ها اعزام کند. البته من جوان بودم هیچ کس من را نمی‌شناخت. بعد از آن گفتند به اردوی تیم ملی بازگردم چون می‌خواهند بار دیگر انتخابی بگذارند. وقتی به اردو رفتم به بلور گفتم آیا می‌خواهید انتخابی بگذارید یا نه؟ او هم گفت نه، اما در اردو بمان که من هم گفتم درس دارم! در انتخابی جهانی ۱۹٦۱ با حمید توکل مساوی کردم اما با اینکه وزنم از او سبک‌تر بود، باز هم نظر بلور این بود که او بهتر از من است. توکل به مسابقات جهانی رفت و در آنجا سوم شد. من هم نمی‌توانستم حقانیتم را ثابت کنم و باز هم حضور در مسابقه‌های جهانی را از دست دادم. برای جهانی سال ۱۹٦۲ خیلی انگیزه داشتم تا خودم را نشان بدهم.١٦ کشتی گرفتم و با پیروزی مقابل کشتی گیران خوبی مثل پرویز فرخ نژاد توانستم عنوان اولی را بدست بیاورم. اما در انتخابی نهایی مقابل صنعت‌کاران مساوی کردم آن هم در شرایطی که ٤.٥ کیلو از او سبک‌تر بودم. این بار هم بلور تصمیم گرفت من را به جهانی نفرستد و صنعت‌کاران عازم مسابقه‌های جهانی شد که در آنجا دو کشتی گرفت و شکست خورد و از دور رقابت‌ها کنار رفت. البته من را به عنوان نفر ذخیره به مسابقات جهانی بردند اما خیلی ناراحت بودم که باز هم این فرصت از من گرفته شده است. برای مسابقه‌های جهانی ۱۹٦۳ صنعت‌کاران به یک وزن بالاتر رفت و من وارد تیم ملی شدم. به خاطر اینکه در انتخابی‌های مختلف چندین بار رقبا را شکست داده بودم دیگر نیازی به انتخابی نبود و من وارد تیم ملی شدم و بالاخره توانستم عازم مسابقه‌های جهانی ۱۹٦۳ صوفیه بلغارستان شوم که در آنجا بدون باخت به عنوان پنجمی رسیدم. در المپیک ۱۹٦٤ توکیو باید اول می‌شدم اما به علت کم‌تجربگی و حق خوری در نهایت بدون باخت چهارم شدم. متاسفانه ما کسی را نداشتیم تا از ما در مسابقه‌های بین‌المللی دفاع کند. فیلا هم آن زمان دست ترک‌ها بود.

به معاون هویدا گفتم فضول خودتی مردیکه!

پیش از انقلاب، ارتشیها خیلی قدرت داشتند. سپهبد حجت رییس وقت سازمان تربیت بدنی نیز یک ارتشی و همزمان معاون نخست وزیر هویدا هم بود. بیست روز پیش از المپیک ۱۹۷۲ مونیخ یک روز به اردوی تیم ملی آمد و با بهانه تراشی به کشتی گیران تیم ملی توهین کرد. به جوادی گفت تو چرا اینقدر ریزی؟ به انوری گفت تو چرا شکم داری؟ من کاپیتان تیم ملی بودم و در جوابش گفتم جناب تیمسار اگر اینگونه نباشد کشتی گیر سبک وزن با سنگین وزن که فرقی با هم ندارند. حجت رو به من کرد و گفت فضولی موقوف! خیلی از این حرف او عصبی شدم و گفتم فضول خودتی مردیکه! تو آمده ای روحیه بدهی یا روحیه تیم را خراب کنی؟ بچه های دیگر سریع من را بردند تا کار به جاهای باریک کشیده نشود اگر من را نمی بردند می خواستم یک سیلی محکم به او بزنم تا حداقل بخاطر ممنوع الخروجی ام پس از المپیک بهانه به درد بخور به دستشان بدهم! برخورد زشت تیمسار حجت با کشتی گیران تیم ملی باعث شد اردوی تیم ملی را ترک کنم و حتی اعلام کردم دیگر به المپیک نمی‌روم. گفتم بعد از ٦ طلای جهان و المپیک چیزی نداده اید که هیچ، توهین هم می کنید؟ بچه های دیگر تیم ملی هم ساک هایشان را برداشتند و از اردو زدیم بیرون. برای چند روز اردو تعطیل شد. چند روز بعد آنقدر خواهش و تمنا کردند تا قبول کردم به تمرینات بازگردیم. بعد هم تیمسار حجت به اردوی تیم ملی آمد و از همه ما دلجویی کرد و گفت منظور بدی نداشته است!

از دل جمله ها؛

❋ از اسم تختی همیشه سوءاستفاده می‌کردند. او اصلاً اهل سیاست نبود و روزنامه ها با زیاد نوشتن از تختی، او را سیاسی کردند و عده ای از محبوبیتش بین مردم بخاطر رسیدن به مقاصد سیاسی شان سواستفاده کردند. تختی محبوبیت عجیبی پیدا کرده بود و خار چشم دستگاه حکومت شده بود.

❋ من عادت بدی که داشتم این بود که با سنگین‌وزن‌ها کار می‌کردم و همیشه دوست داشتم با قوی‌تر از خودم تمرین کنم. تنها کسی که نتوانستم او را در خاک تکان بدهم، تختی بود؛ او بسیار پرزور و فنی بود.

❋ تختی یک نمونه منحصر به فرد در ورزش ایران بود. به نظر من بازگشت دوباره او به کشتی یک اشتباه بزرگ بود. اگر از او خجالت نمی‌کشیدم به او می گفتم به المپیک ۱۹٦٤ نیا!

❋ عادتی که داشتم این بود که اگر از حریفی یک امتیاز می گرفتم محال بود بتواند آن را از من پس بگیرد! آن زمان کشتی در دو وقت ۵ دقیقه ای بود. من همان اول از حریفی مثل آتالای یک امتیاز می گرفتم بعد ۹ دقیقه کشتی را اداره می کردم.اصلا علاقه ای به ریسک در کشتی و به خطر انداختن خودم نداشتم بلکه فقط به پیروزی حتی با یک امتیاز فکر می کردم.

❋ المپیک ۱۹۷۲ مونیخ آخرین المپیک من بود. پس از یک پیروزی مقابل حریف هندی در کشتی بعد مقابل حریف پانامایی با بدشانسی تمام هنگام اجرای فن دستم سُر خورد و عضله بازوی راستم دچار پارگی شدید شد و دیگر نتوانستم به مسابقات ادامه بدهم. اما پس از بازگشت به ایران به من تهمت زدند که از قصد برای ایران کشتی نگرفتم و به همین خاطر من را ممنوع الخروج کردند!

❋ حتی گواهی پزشکی را پس از بازگشت به ایران، به روزنامه کیهان ورزشی دادم تا آن را چاپ کنند اما آن‌ها گفتند ما از ساواک می‌ترسیم و نمی توانیم آن را چاپ کنیم!

❋ پس از ممنوع الخروجی ام، پیش رییس دفتر شاه رفتم و گفتم چه گناهی کردم که ممنوع‌الخروج شدم؟ گفت: موحد برایت گزارش‌های بدی داده‌اند اما به من فرصت بده تا موضوع را به شاه انتقال دهم اما دیگر هیچ خبری نشد. من در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شاگرد اول بودم اما باز هم نمی گذاشتند به خارج از کشور بروم تا تحصیلاتم را در مقطع دکترا ادامه بدهم.

❋ یک روز سر امتحان آمار در مقطع فوق لیسانس رشته تعلیم و تربیت، کسی که کنارم نشسته بود به من گفت هیچی بلد نیست و از من خواست از روی برگه ام تقلب کند. من هم اجازه دادم و او هم تمام مطالب را از روی دست من نوشت. مدتی بعد یکی از دوستانم که اتفاقا در فدراسیون فوتبال کار می کرد گفت عبدالله مشکل ممنوع الخروجی ات درست شده، یک روز بعد از درخواست من، پاسپورتم آماده شد. پیش دوستم امین بخش رفتم و گفتم تو از کجا می‌دانستی؟ او هم در جوابم گفت«همان دانشجویی که در امتحان آمار از روی برگه تو جواب سوالاتش را نوشت مامور ساواک بود که اتفاقاً پرونده تو زیر دست او بود و به خاطر کمک تو او هم مشکلت را حل کرد»!

❋ با گرفتن پاسپورتم در حالیکه در تهران در دانشگاه تدریس می کردم برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا به دانشگاه جرج واشنگتن در واشنگتن دی سی آمریکا رفتم. در حال نوشتن تز دکترایم در آمریکا بودم که در ایران انقلاب شد و به من نامه نوشتند و خواستار بازگشتم به ایران شدند اما من گفتم در حال گذراندن تز دکترایم هستم و نمی توانم بازگردم. من هم به ایران نامه نوشتم و تقاضای ٦ ماه مرخصی بدون حقوق کردم اما باز هم مخالفت شد تا اینکه یک ماه بعد نامه اخراجم از دانشگاه جرج واشنگتن و محل کارم در ایران به دستم رسید!

❋ دست به آچارم خوب بود و گاهی اوقات کارهای مکانیکی ماشینم را خودم انجام می‌دادم. به پیشنهاد یکی از دوستانم به کلاس آموزش مکانیکی رفتم و همان مرتبه اول در آزمون عملی از ۱۰۰ نمره ۹۹ گرفتم. ابتدا با جبارزادگان که مربی والیبال بود شریک شدم اما او مدتی بعد رفت اما من تا ۲۲ سال در آمریکا مکانیکی کردم و در نهایت آن را ۱۷ سال پیش کنار گذاشتم. حتی پمپ بنزینی نیز در آمریکا داشتم که آن را به یک ویتنامی فروختم. در حال حاضر نیز چند ملک دارم که از اجاره آنها زندگی راحتی دارم.

❋ این همه سال در ورزش ایران حضور داشتم و افتخارآفرینی کردم اما از لحاظ مادی چیزی به دست نیاوردم اما ۲۰ سال در آمریکا کار کردم و به هرچه که می‌خواستم رسیدم.

❋ در آمریکا از من خواستند که هدایت تیم ملی کشتی این کشور را بر عهده بگیرم اما قبول نکردم؛ خیلی دوست داشتم در ایران مربی شوم اما متاسفانه برخی‌ها نگذاشتند این اتفاق بیفتد. وقتی آمریکایی‌ها به من این پیشنهاد را دادند پیش خودم گفتم چرا باید به عده‌ای کشتی یاد بدهم که بروند مقابل هموطنانم این فنون را به کار گیرند و آن‌ها را شکست دهند. پول بسیار خوبی به من می‌دادند اما حاضر نشدم کمک کنم. بابی داگلاس که روزی حریفم بود یک شب به خانه من آمد و به من گفت دو برابر بیشتر از صحبتی که داشتیم به تو می‌دهیم اما باز من قبول نکردم. وقتی سرسختی من را دید، گفت چه می‌خواهی، گفتم تو حرف من را نمی‌فهمی!

❋ یک بار در المپیک مدال طلا گرفتم که به من ۵۰ هزار تومان پول دادند. یک بار هم تیم قهرمان جهان شد که به ما نفری ۳۰ هزار تومان دادند اما دیگر هیچ حمایتی از ما نکردند اما در مقابل، روس‌ها بهترین زندگی را برای قهرمانان‌شان فراهم کردند.

❋ اصلاً کشتی را دنبال نمی کنم و علاقه‌ای هم ندارم، کشتی‌گیران تیم ملی را هم نمی‌شناسم! به نظر من همه کشتی‌گیران خوب هستند چرا که همگی زحمت‌کشند و دوست دارند موفق باشند.

❋ در کنار پیاده روی روزانه، به صورت منظم ورزش می‌کنم و همه دستگاه‌های ورزشی را در خانه‌ام دارم. اگر آسیب دیدگی‌هایی که به واسطه سال‌ها حضور در کشتی نداشتم، وضعیتم بسیار بهتر بود. به عنوان مثال، شست دستم سه بار از جا درآمد و آن را عمل کردم.

❋ بسیار دوست دارم به ایران برگردم و عاشق کشورم هستم اما موقعیتم طوری نیست که بخواهم این کار را انجام دهم و خانواده‌ام باید با این موضوع کنار بیایند.

❋ پسرم کشتی گیر خوبی بود. یک بار هم در ایالت ویرجینیا به مقام قهرمانی رسید اما یک روز که از تعمیرگاه به خانه آمدم و دست‌هایم روغنی و سیاه بود، به او گفتم دیگر نباید کشتی را ادامه بدهی، من که قهرمان کشتی بودم، حال و روزم این است تو می‌خواهی به کجا برسی؟!

میدان

کی روش:

با رفتن من آرامش به فوتبال ایران بازمی گردد

سرمربی پرتغالی تیم ملی فوتبال ایران تأکید کرد که فوتبال ایران بیش از هر زمان دیگری به آرامش و ثبات نیاز دارد و این طور به نظر می رسد که این آرامش تنها با رفتن او حاصل می شود.اظهارات «کارلوس کی روش» بعد از دیدار با «مهدی تاج» رئیس فدراسیون فوتبال؛ «من سه برنامه پیشنهادی داشتم که با توجه به تصمیمات سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال هیچ یک از این برنامه ها اجرا نشد و در هر فاز با مسائل و مشکلات مختلفی روبه رو شدیم. برنامه های تیم ملی فوتبال مطابق با برنامه های فیفا و AFC جلو نرفته است. همچنان تیم ملی فوتبال ایران فاقد امکانات لازم از جمله زمین چمن مناسب برای تمرین و آماده سازی خود برای مسابقات مرحله نهایی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه است. خوشحالم که در پایان دسامبر سال ۲۰۱٦ تیم ملی ایران یک سال و نیم بدون شکست را پشت سر گذاشته و همچنین از سوی فیفا برای چهارمین سال به عنوان برترین تیم فوتبال در آسیا انتخاب شده است.»

«

جردن باروز:

امیدوارم ایرانی ها به ما نه نگویند

کشتی گیر نامدار آمریکا از علاقه شدید خود برای حضور در جام جهانی ایران گفت. «جردن باروز» و تعدادی دیگر از کشتی گیران آمریکایی قرار است اواخر بهمن ماه در ایران حاضر شوند و در مسابقات جام جهانی کشتی آزاد در کرمانشاه شرکت کنند. اظهارات «باروز» درباره مسائل بوجود آمده در رابطه با احتمال عدم موافقت ایران با حضور تیم ملی کشتی آمریکا در جام جهانی ۲۰۱۷ کرمانشاه: «ایران کشوری است که به فرهنگ و ورزش کشتی بسیار اهمیت می‌دهد. این کشور بهترین و پرشورترین هواداران کشتی را در جهان دارد. ما تنها امیدوار هستیم که آنها به خاطر سیاست به ما نگویند که «ببخشید اینبار مسابقات جام جهانی بدون شما برگزار می‌شود!» حداقل به همین دلیل فکر نمی‌کنم که ایرانی‌ها چنین برخوردی با ما داشته باشند. ورزش یکی از معدود راههایی است که فراتر از نژاد، مذهب، فرهنگ و سیاست عمل می‌کند. برای اینکه بخواهیم آمریکا را دوباره احیا کنیم نحوه برخوردمان با مردم دیگر کشورها بسیار مهم است. اگر کشورهای دیگر در قبال این اقدام ما تلافی کنند چه می‌شود؟ ما سعی می کنیم بدون توجه به این که دولت ما چه تصمیم گیری‌هایی می‌کند نشان دهیم که آن چه که مهم است احترام به شخصیت دیگران است.»

«

داورزنی:

گزارش مالی ژیمناستیک شبیه مصیبت‌نامه است!

معاون ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان در یکی از مجامع ژیمناستیک کشور گفت: «از کسانی که در این فدراسیون زحمت کشیدند، تشکر می کنم البته اگر بتوان نام آن را فدراسیون گذاشت!»اظهارات «محمدرضا داورزنی»؛ «تجربه من نشان می‌دهد که مشکل این فدراسیون مالی نیست، اولویت کار پول نیست، فدراسیونی که ٤ سال است معلوم نیست چه کاری در آن اتفاق می افتد، سه دوره حسابرسی شده اما در ته آن چیزی در نیامده و درست نشده است. هر ساله فدراسیون‌های ورزشی تقویم سالیانه را آماده می‌کنند اما نوشتن تقویم سالیانه با استراتژی متفاوت است. فدراسیون ژیمناستیک باید بداند برای المپیک ۲۰۲۰ یا ۲۰۲٤ چه برنامه‌ای دارد. در برنامه‌ای که من به آن گوش دادم، هیچ چیزی نبود. ما از نظر استعداد و ظرفیت، کامل هستیم اما حلقه مفقوده ما این است که استراتژی مشخص برای این اهداف نداریم.»